«فیروز زنوزی جلالی» به کمارفت

«فیروز زنوزی جلالی» نویسنده برگزیده جایزه جلال آل احمد به کمارفت. به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، وی که هشت روزی است در بیمارستان مسیح دانشوری به سر می‌برد و تحت درمان است، صبح دیروز با وخیم شدن وضعیت جسمانی اش به کمارفت و پزشکان در حال انجام سریع روند درمان هستند.

ناگهان شعر

امروز با شاعران تربت حیدریه

■ مهدی رمضانپور
من خاکم و تو عقیق، برگرد برو
طاعون زده ام رفیق، برگرد برو
زندان شده شُش های من دارزده
آه ای نفس عمیق، برگرد برو

■ محمود اکبرزاده
جاده هر طور می خواهد برود
برود
آسمان هر طور می خواهد تصمیم بگیرد
بگیرد
من و تو راهمان را می رویم
تصمیم‌مان را می گیریم
راه رفتن کفشدوز کِ روی شال سپید چقدر به طبیعت می آید

*
درست جایی وسطِ حرفِ قاصدک ها
کلاغ، پرواز کرد
چمدان به راهش ادامه داد
جاده
دور و دور و دورتر شد
سنجاق سرها
هیچ زمان
خاطره خوبی از بادها نداشته اند

■ محمد امیری
سکوت نهر خواهد کشت ما را
غم این قهر خواهد کشت ما را
قنات روستا وقتی بخشکد
هوای شهر خواهد کشت ما را

*
به عکس خنده دارش، خنده می کرد
سرش را گرم با آینده می کرد
میان آشپزخانه پیاپی
پیازِ گریه اش را رَنده می کرد

■ مهدی حسن‌زاده
گمان چشم و خارش رانداری
حساب کار و بارش رانداری
همیشه می خوری زخم از رفیقی
که اصلا انتظارش رانداری...

■ فاطمه خانی‌زاده
تا باغ چشمانت پر از یاس و قناریست
در کوچه باغ شعر من یاد تو جاریست
وقتی که ابری می شود سقف نگاهم
یک آسمان دل پشت باران بهاریست
وقتی که توفان می شود، دریاچه چشم
با هر وزش لبریز موج بی قراریست
حالا که تصویرت فضای خانه ام را
پر کرده و چون قاب عکس یادگاریست
آقای شعرم یک بغل یاس و اقاقی
تقدیم تو هر چند سهم ما نداریست

■ محمود خرقانی
دارم به کنج خانه و شعر و خودم خو می کنم
دارم خودم را گوشه گیری بی هیاهو می کنم
دنبال عطری از غزل وقتی که می گردم، فقط...
خود کار و میز و کاغذم را روز و شب بو می کنم
هر ثانیه یک مصرعم، هر لحظه یک بیت و غزل
این روزها دارم خودم را پاک جارو می کنم
حس می کنم در من کسی عاشق تر از من هست و من...
این شعرها را خط به خط تقدیم به او می کنم
گاهی کنار شیشه یخ کرده یک پنجره
داغ دلم را روی آن "ها" می کنم..."هو" می کنم
این روزها پیغمبری بی یارم و در گوشه ای
اعجاز شعرم را برای بغض ها رو می کنم

■ ایمان فرستاده
از آن موهای وحشی خواستم دیوانه بازی را
از آن لب های سرخت جرأت پیمانه بازی را
شبیه موی تو بر شانه می ریزم و می دانم
که باز آغاز خواهم کرد فردا شانه بازی را
به زیر روسری خوابانده ای صد فتنه زیبا
به همراه هزاران عاشق پروانه بازی را
کنار حوض خانه، کودکانه تجربه کردیم
من و تو با مکعب های کوچک خانه بازی را
و حالا بی تو آواره ترین دیوانه شهرم
در این زنجیر باید سر کنم دیوانه بازی را

■ ایمان مرصعی
مجنون شدیم اگر چه که لیلا نداشتیم
از هیچ کس توقع بیجا نداشتیم
هفتاد سال در قفسی تنگ پر زدیم
هفتاد سال غصه فردا نداشتیم
دیوار بود و سنگ و صدای پرندگان
یک پنجره برای تماشا نداشتیم
قصد فرار از لبه بام زندگی
یک عده داشتند ولی ما نداشتیم
ما سر بزیر و ساده و یکرنگ بوده ایم
کاری به کار مردم دنیا نداشتیم

■ بهمن صباغ‌زاده
از این در رد شوی گم می کنی نام و نشانت را
در این دنیا فقط با باست می فهمد زبانت را
جهان پیر است و بی بنیاد، بی بنیاد، بی بنیاد
مطابق با همین یک کوچه کن فعلا جهانت را
سر کوچه عروسک های کوچک را نمی بینند
زبانم لال زیر چرخ هاشان استخوانت را...
پسرها گرم بازی می دوند و عالمی دارند
کنار کوچه بنشین و بخور آهسته نانت را
غزل جان! گر به نامرادست، دستت را بکش با با
به بازی می خراشد دست های مهربانت را
تحمل کن کمی، با با بیاید از سر کارش
به چشم آشنایش پر کن از خنده دهانت را

عزتا... الوندی، داستان نویس:

پیشرفت داستان‌نویسی در کشور امیدوارکننده است

متولد سال ۱۳۵۳ شهر تویسرکان و دانش آموخته رشته ادبیات نمایشی دانشکده هنر است. از جمله سوابق اجرایی وی می‌توان به مسئولیت برگزاری جشنواره کودک و نوجوان، مسئول صفحه موسیقی جام جم، بیان و آفتاب‌یزد، دبیر سرویس ادب و هنر مجله توانا اشاره کرد. همچنین کتاب‌های «فردوسی»، «بچه‌ها دلم برایتان تنگ می‌شود»، «بیل کوچولو و بچه آدم»، «سالمون و رؤیاهایش»، «اسمت چیه تربچه»، «مرغ هوا» و... از جمله آثار اوست. عزتا... الوندی، نویسنده موفق حوزه کودک و نوجوان کشورمان اخیرا در سفری به مشهد، میهمان انتشارات «به‌نشر» مشهد بود. به همین دلیل فرصتی دست داد تا با این مولف درباره کم و کیف تولید یک اثر ارزشمند فرهنگی به گفت‌وگو بنشینیم.

جریان رمان‌نویسی و داستان‌نویسی در کشور ما در دهه اخیر، به‌ویژه با ورود نویسندگان جوان دستخوش تحولاتی شده است، اما بازار نشر یک پوسته و یک جریان درونی دارد، شما به عنوان یکی از فعالان این بخش، امروز، احوال این جریان را چطور می‌بینید؟

به نظر من، سطح کیفی آثار به نسبت ۱۰ سال گذشته بسیار بالاتر رفته است. طبیعی است که با رشد فناوری‌ها و رسانه‌ها به سهولت می‌توان کتاب‌ها را هم به زبان اصلی و هم فارسی به دست آورد. بنابراین نویسندگان می‌توانند کتاب‌های مورد علاقه خود را پیدا کنند و بدین ترتیب سطح کیفی آثار کشورهای دیگر به راحتی برای آن‌ها قابل ارزیابی است. به تبع آن، سطح رمان‌هایی که با تأثیرپذیری از آن‌ها خلق می‌کنند، بالاتر رفته و این نوید بخش آغاز پیشرفت و دوره امیدوارکننده‌ای است. نوشته‌های هر دوره باید با تاب نیازها، غم، اندوه، شادی، رؤیا و خیال افراد جامعه خود باشد. علاوه بر این که آثار نویسندگان، ذائقه مخاطب خود را بالا می‌برد، به بخشی از ذائقه‌های پیشین آن‌ها نیز پاسخ می‌دهد.

فکر می‌کنید اکنون مخاطب چه نوع رمان‌ها یا مجموعه داستان‌هایی را با چه کیفیت از نگارش می‌پسندد؟ یعنی رغبت او به چه جنس آثاری با چه رویکردها و پرداخت‌هایی است؟

اکنون با توجه به آمارهایی که در منابع گوناگون کتابخانه‌ای و تلگرامی ارائه می‌شود، به داستان‌هایی بیشتر توجه می‌شود که رویکردهای اجتماعی بشر امروز را در برمی‌گیرد. این رویکردها در گذشته نیز وجود داشته است، اما با توجه به تنوع سن مخاطبان رمان، از نوجوان تا کهنسال و دستاویز کردن قالب رمان برای درک جهان پیرامون، بیش از دیگر اشکال ادبی به سمت آن گرایش پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، نظر به آنکه رمان مرجعیت دارد و با زتاب دنیای درونی نویسندگان و در عین حال دربردارنده اتفاقات جامعه است، به عنوان یک رسانه می‌توان به آن تکیه کرد.

اساساً برای راغب کردن جامعه مخاطب به خواندن یک رمان یا مجموعه داستان باید چه رویکردی را پیش گرفت؟ نویسنده باید چه نکاتی را مد نظر داشته باشد و ناشر باید به دنبال چاپ چه آثاری برود که خواننده رغبت کند بابتشان دست به جیب شود؟

در این زمینه، هر انتشاراتی می‌تواند مجموعه‌ای از اقدامات تبلیغی و خلاقانه را به کار گیرد که از شکل عرضه و بسته‌بندی کتاب گرفته تا نحوه آرایه محتوای آن (هنری و ادبی) را شامل می‌شود. یک ناشر برای جذب مخاطبان باید ویترین زیبایی داشته باشد که قسمتی از آن به این نگاه هنری برمی‌گردد و خوشبختانه در سال‌های اخیر رعایت آن را بیشتر در کار ناشران می‌بینیم. به جز آن، یکی از مشکلات دست به گریبان ناشران را می‌توان اوضاع پخش کتاب دانست. چرا که باید محصول فرهنگی نهایی شده به دست مخاطب خود برسد. عرضه کنندگان بزرگ کشور نبض بازار را می‌شناسند و شاخه‌ها و کانال‌های ارتباطی با مخاطب را در دست دارند، بنابراین می‌توان از آنها به عنوان یک میان‌بر سود جست.

همان‌طور که می‌دانید در حال حاضر شمار اندکی از ناشران خاص به موضوع داستان‌های انقلابی علاقه نشان می‌دهند و این رویکرد فراگیر نیست. «به نشر» پیگیر توسعه ظرفیت‌های خود در این بخش است، از این منظر، فکر می‌کنید این مجموعه انتشاراتی باید چه پیش‌زمینه‌هایی را مد نظر قرار دهد تا محصولاتش توجه بخش بیشتری از جامعه را به خود جلب کند؟

مخاطبان از نظر ذائقه طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند، برخی به موضوعات خاص اقبال نشان می‌دهند اما اینکه از بخشی از آثار انقلابی استقبال نمی‌شود، جای نگرانی ندارد چون این موضوعات بخشی از تاریخ ماست و با گذشت زمان، می‌توان آن را در میان دغدغه‌های مردم جست‌وجو کرد.

خالق این جنس داستان‌ها و روایت‌ها، سعی می‌کند تا مسائل مورد توجه مردم را با سابقه تاریخی متقن و بیانی درست و مستند منتقل کند، بنابراین نیازمند پژوهش است. اگر پژوهش نکنند یا ناقص صورت پذیرد، کاری مانند «معمای شاه» حاصل کار خواهد شد که نتیجه مطالعات جامع و مانع نیست و همه موضوعات را در نظر نمی‌گیرد پس باور پذیر هم نیست.

شاخصه یک داستان انقلابی خوب را چه می‌دانید؟ (منظورمان از داستان انقلابی روایتی است که بخشی از تاریخ مهم این کشور را برای نسلی که بعضاً هیچ تجربه‌ای از آن دوران ندارند، شفاف می‌کند و علاوه بر پایبندی به اصالت‌های روایت یک واقعه تاریخی، دارای کشش کافی برای مخاطب نیز است)

این پرسش از دو بخش مجزا تشکیل می‌شود. اول باید داستان خوب بنویسیم. داستانی که هم برای مخاطب و هم نویسنده جذاب باشد. یعنی کل ارایه آن سفارشی صرف نباشد. البته کارهای سفارشی به قلم شگفت‌انگیز برخی نویسندگان، مورد نظر بحث من نیست. در درجه دوم باید داستانی نو داشته باشد. انقلاب ما، انقلاب شعارنویسی و پخش اعلامیه نبوده است، رویدادی عمیق‌تر دارد. نویسنده هم باید عمیق‌تر به موضوعات انقلاب توجه کند اما بیشتر اتفاقات سطحی و کلیشه‌ای را در آثار می‌بینیم. منابع و مستندات موجود، حاکی از آن است که انقلاب اسلامی، فراتر از شعارهای ا... اکبر روی پشت بام‌ها بود. اگر دقیق‌تر شویم و پژوهش را جدی بگیریم، از حوادث زیرپوستی جامعه آن زمان برای استفاده در داستان‌های‌مان مطلع خواهیم شد.

بعضی از پرفروش‌ترین کتاب‌های ما در کشور در موضوع دفاع مقدس بوده‌اند، فکر می‌کنید چه نکاتی موجب شد که این آثار مخاطب عام را با خود همراه کنند، چه عواملی در این آثار بود که در نمونه‌های مشابه ناموفق مشاهده نمی‌شد؟

در این زمینه نیز مانند دیگر موضوعات باید بعد از پژوهش و جست‌وجو، بر اساس دغدغه‌های مخاطبان، کار تولید شود. در برخی از موضوعات می‌توان مخاطب را حساس کرد تا نگرانی‌های ناشر، نویسنده و مخاطب برطرف شود. در حوزه دفاع مقدس باید به مصادیق طنزآمیز و پُرهیجان و پُرمخاطره دفاع مقدس - برای بچه‌ها یا حتی بزرگسالان - که تاکنون کمتر بدان‌ها پرداخته شده، به صورت برجسته‌تر بپردازیم.

اگر «به نشر» یا دیگر مراکز انتشاراتی کشور بخواهند وارد حوزه نشر کتاب‌های انقلابی شوند، فکر می‌کنید باید به چه الزاماتی توجه کنند تا آنچه حاصل می‌آید یک مجموعه ارزشمند باشد؟ اقتضائات تولید اثر در این جنس موضوعات چیست که به ورطه شعارزدگی و میان‌مایگی گرفتار نشود؟

اگر ناشران به چیدن گروه کارشناسی قوی برای بررسی دست نوشته‌هایی که به دستشان می‌رسد، توجه بیشتری داشته باشند، در این صورت می‌توانند امیدوار باشند که آثار خوبی چاپ شود. در واقع کارشناسان و صاحبنظران، نقش اتاق فکر را در این عرصه برای سفارش اثر به نویسندگان بازی می‌کنند.

به تجربه ناشران موفق جهان هم در زمینه تعامل مؤثر میان ناشر و نویسنده اشاره‌ای بفرمایید؟

موفقیت آنها از جسارت ناشی می‌شود. ناشر و نگارنده کتاب باید جسارت بیان واقعیت‌های اجتماعی را داشته باشند. به عنوان نمونه، کتاب «ماتیلدا»، در خصوص زیر سؤال بردن سیستم آموزشی مدارس اروپاست. در ایران به دلیل تأکید بر نمره، ترس و اضطراب و نیز افسردگی و انزوا را در بچه‌های دبیرستانی درونی کردند. یکی از کارهای ما، نقد اتفاقاتی است که پیرامون مارخ می‌دهد. این جسارت را برخی از نویسندگان و ناشران ما ندارند، لذا کار متفاوت خلق نمی‌شود و راه پدیدآوردن آثار شاخص و تأثیرگذار بسته می‌ماند.

به هر حال صنعت نشر وابسته به بازگشت سرمایه است. ناشران خصوصی در این زمینه موفق‌تر از ناشران دولتی عمل کردند. زیرا ناشران دولتی به تناسب تعاریف و ماموریت‌هایی که برایشان تعریف شده است کتاب‌هایی را تولید می‌کنند که ممکن است استقبال نشود. برخی اوقات هم کتاب‌ها رایگان توزیع یا به افراد خاص هدیه داده می‌شود. درست است که این رویه، در بسیاری از نقاط جهان رواج دارد اما یک نقطه ضعف محسوب می‌شود چون ظرفیت موجود در جهت نیاز و ذائقه جریان نیافته و صرف ماموریت‌ها شده است، از طرفی نگاه رقابتی بازار نشر در این حوزه معنایی ندارد. در مقابل، ناشران خصوصی، سرمایه خودشان را صرف رساندن کتاب به دست مخاطب واقعی می‌کنند. کتاب رایگان، خوانده نمی‌شود زیرا توفیق اجباری است.

خبر

شیراز در یادروز سعدی به جشن می‌نشیند

شیراز ۳۱ فروردین ماه در مراسم یادروز سعدی به جشن خواهد نشست. به گزارش مهر، مدیر مرکز سعدی‌شناسی گفت: مراسم فرخنده یادروز سعدی امسال با حضور رئیس جمهوری اسلامی ایران و سعدی‌پژوهان و سعدی‌دوستان در روزهای ۳۱ فروردین ماه و اول اردیبهشت‌ماه برگزار خواهد شد.

مدیر مرکز سعدی‌شناسی افزود: نشست علمی یادروز سعدی از ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه در تالار مرکز اسناد و کتابخانه ملی مرکز فارس برگزار خواهد شد و استادان گرانقدر دکتر اصغر دادبه درباره «رندی در شعر سعدی»، دکتر محمدجعفر محلاتی درباره «صلح در سپهر اندیشه سعدی»، دکتر ضیاء موحد درباره «ترجمه‌های سعدی»، استاد احمد سمیعی گیلانی درباره «جدال سعدی با مدعی»، استاد یدا... کابلی خوانساری درباره «سی سال با سعدی» و کاوه بهبهانی درباره «سعدی و اخلاق فضیلت» سخنرانی خواهند کرد.

همزمان با نشست علمی، نمایشگاه خوشنویسی «سی سال با سعدی» که روایت سی سال همنشینی استادیدا... کابلی، استاد سرآمد خط شکسته فارسی با سعدی است، برگزار خواهد شد.

وی افزود: از دیگر برنامه های پیش بینی شده برای این جشن فرهنگی، تجلیل از سعدی‌پژوهان برجسته کشور، برگزاری نمایشگاه آرامگاه سعدی به روایت اسناد، اجرای موسیقی سنتی بر اساس اشعار سعدی توسط گروه «بیدل» به خوانندگی و سرپرستی حسام‌الدین سراج در آرامگاه سعدی، نمایشگاه گزیده کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و چاپی سعدی، برگزاری نمایشگاه سعدی به روایت هنرمندانی با عنوان «اول اردیبهشت‌ماه جلالی»، سعدی‌خوانی در آرامگاه سعدی در روز اول اردیبهشت و نیز انتشار دفتر سوم دو فصلنامه «سعدی‌شناسی» است که در واقع بیست و یکمین جلد از مجموعه مقالات سعدی‌شناسی است.

کمالی همچنین گفت: علاوه بر شیراز در برخی از شهرهای ایران و جهان، فرهنگ دوستان، روز سعدی را به جشن می‌نشینند و در روزهای ۳۰ و ۳۱ فروردین ماه همایش «سعدی و ویکتور هوگو» در ادامهٔ برنامه «دهه سعدی و شاعران بزرگ جهان» در مرکز فرهنگی شهر کتاب تهران برگزار خواهد شد.

وی ادامه داد: گلباران آرامگاه سعدی و بازدید رایگان از سعدیه در اول اردیبهشت‌ماه از دیگر برنامه‌های یادروز سعدی است که با همکاری استانداری فارس، ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس، مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، مرکز فرهنگی شهر کتاب، ایکوم ایران و مرکز سعدی‌شناسی برگزار می‌شود.

توزیع «من زنده‌ام» در آمریکا

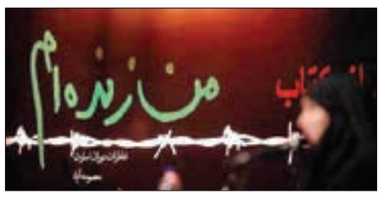

مدیر اجرایی نشر بروج از برنامه‌ریزی این انتشارات برای توزیع ترجمه انگلیسی «من زنده‌ام» در کشورهای اروپایی و آمریکا خبر داد.

سیدصفر صالحی، مدیر اجرایی نشر بروج، در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران پویا همچنین از ترجمه «من زنده‌ام» به زبان‌های روسی، آلمانی و فرانسه خبر داد و گفت: کار ترجمه این اثر به زبان روسی به اتمام رسیده و در روسیه منتشر شده است. ترجمه آلمانی و فرانسه کتاب نیز در سال جدید به اتمام خواهد رسید.

کتاب «من زنده‌ام» شامل خاطرات معصومه آباد از سال‌های دفاع مقدس در آبادان و در اسارتگاه‌های عراق است. او یکی از چهار بانویی است که در اسارت بعثی‌ها بودند. خاطرات «آباد» در این کتاب نمونه‌ای است از جنایت بعثی‌ها علیه مردم غیرنظامی ایران. انتشار این کتاب از همان زمان نخست با استقبال خوب مخاطبان همراه بود.

اجراهای «کیهان کلهر» و «محسن یگانه» پرفروش‌ترین‌های موسیقی ایران

با آغاز فصل تازه اجراهای زنده موسیقی، ۱۲ کنسرت موسیقی توانستند نظر مخاطبانشان را جلب کنند و تمام بلیت‌هایشان را به فروش برسانند.

به گزارش فارس، با آغاز فصل بهار چند کنسرت موسیقی توانستند نظر مخاطبانشان را جلب کنند و تمام بلیت‌هایشان را به فروش برسانند و به اصطلاح اهالی موسیقی sold out کنند. در ادامه فهرست اجراهایی را می‌بینید که توانستند تمامی بلیت‌هایشان را به فروش برسانند که اجرای محسن یگانه با ۶ سئانس ۴۰ تا ۱۴۰ هزار تومانی در تهران، ۴ سئانس ۴۵ تا ۱۲۰ هزار تومانی در شاهرود و اجرای کیهان کلهر با ۲ سئانس ۴۵ تا ۹۵ هزار تومانی در تهران و ۲ سئانس ۴۰ تا ۹۰ هزار تومانی در رشت و یک سئانس ۴۵ تا ۶۵ هزار تومانی در کاشان پرفروش‌ترین‌ها بودند.

ادای احترام چینی‌ها به مارکز

نویسندگان مطرح و کتاب‌دوستان چینی به مناسبت سومین سال درگذشت «گابریل گارسیا مارکز»، با برپایی مراسمی به این نویسنده کلمبیایی برنده نوبل ادای احترام کردند.

به گزارش ایسنا، «پرنسا لاتینا» نوشت: «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده فقید رمان «صد سال تنهایی» از مشهورترین و محبوب‌ترین رمان‌نویسان خارجی در میان خوانندگان چینی است. روز گذشته (۲۹ فروردین) علاقه‌مندان به کارهای او چندین برنامه بزرگداشت را به مناسبت سومین سال فقدان او در پکن ترتیب دادند.

دیپلمات‌ها، کلمبیایی‌های ساکن پکن، روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی، هواداران «گابو» و تعدادی از برجسته‌ترین نویسندگان چینی روز گذشته در موزه «جینتای» پکن گرد هم آمدند و در کنار مجسمه یادبود «مارکز» به او ادای احترام کردند.

این مجسمه سال ۲۰۱۳ توسط «یوان ژیکون» هنرمند طراحی و در مرکز پارک «چائویانگ» نصب شد. در این پارک ۲۳ مجسمه از قهرمان‌ها، دانشمندان و هنرمندان سرتاسر جهان نصب شده است که یکی از آن‌ها به «گابو» تعلق دارد. کتاب‌های «مارکز» از دهه ۱۹۸۰ به چین راه پیدا کرد و از آن زمان تاکنون میلیون‌ها نفر به کارهای استاد سبک رئالیسم جادویی علاقه‌مند شده‌اند.

«صد سال تنهایی»، «پاییز پدرسالار»، «توفان برگ»، «وقایع‌نگاری یک مرگ از پیش اعلام شده»، «برای سخنرانی نیامده‌ام»، «ساعت شیطان»، «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد»، «عشق سال‌های وبا» و «داستان یک ملوان کشتی‌شکسته» از جمله کارهای این نویسنده برنده نوبل است که به زبان ماندارین ترجمه شده است.

«گابریل گارسیا مارکز» از بزرگ‌ترین چهره‌های ادبیات اسپانیولی‌زبان و آمریکای لاتین بود که در سال ۱۹۸۲ به جایزه نوبل ادبیات دست یافت. «گابو» به عنوان پیشتاز سبک «رئالیسم جادویی» شهرت داشت.

«صد سال تنهایی» که نمونه بارز رئالیسم جادویی است، معروف‌ترین اثر «مارکز» محسوب می‌شود. «پاییز پدرسالار»، «عشق سال‌های وبا»، «خاطره دلبرکان غمگین من» و «گزارش یک مرگ» از دیگر کتاب‌های معروف این نویسنده برجسته است که آثارش تاکنون به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شده است.